

در ساحل دجله

• در شهر سامرا مرقد کدام امامان شریف قرار گرفته است؟

امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع)

دو روز است که به سامرا آمده‌ایم؛

در این دو روز، چند نوبت مرقد شریف امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را زیارت کرده، و در صحن با صفایشان نماز خوانده‌ایم و حالا کنار رود پر خروش دجله آمده‌ایم تا در ساحلش قدم بزنیم.

پدرم با دقت به دو طرف دجله نگاه می‌کند و به افق‌های دور چشم می‌دوزد و بعد سرش را تکان می‌دهد:

- «نه! هیچ نشانی از آن شکوه شاهانه نمی‌بینم!»

من که از کنجکاوی پدرم تعجب کرده‌ام، می‌پرسم: «منظور شما چیست؟ به دنبال چه می‌گردید؟»

- «قصرهای حاکمان عباسی! هر چه جست‌وجو می‌کنم، نشانی از آنها نمی‌بینم».

پدرم به کتابی که در دست دارد، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد:

«در این کتاب خوانده‌ام که سامرا پنجاه و پنج سال پایتخت حاکمان عباسی بوده است. حاکمان و فرزندان‌شان و درباریان آنها قصرهای زیادی در کنار دجله داشته‌اند؛ قصرهایی به هم پیوسته و تودرتو در دو سوی ساحل دجله! کاخ‌هایی آراسته و پر از نقش و نگار با وسایل گران‌قیمت و سفره‌های رنگارنگ...»

اما الان هیچ نشانی از آنها نیست!»

من هم مانند پدرم با کنجکاوی به اطراف دجله نگاه می‌کنم و به زمین‌های خالی چشم می‌دوزم!

در این هنگام پدرم با دست به گنبد امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام اشاره می‌کند و می‌گوید:

«بنی‌عباس با آن همه قدرت و ثروت فراموش شدند و کسی از آنها به نیکی یاد نمی‌کند، ولی مرقد نورانی امام هادی و فرزند عزیزش را ببین؛ زائران مثل پرستو



از همه جای دنیا عاشقانه به سویشان پر
می‌کشند».

کنار دجله می‌نشینیم. غرق تماشای آب‌های
خروشان می‌شوم. حرف‌های پدرم مرا به فکر
فرو می‌برد. با خودم می‌گویم هرطور شده
باید بفهمم که چرا امام هادی و فرزند عزیزش
امام حسن عسکری علیهما السلام این قدر
مورد توجه مردم هستند ولی حاکمان عباسی
فراموش شده‌اند.

کتابی را که پدرم با خود به همراه دارد می‌گیرم
و به سوی حرم راه می‌افتیم.

وارد صحن می‌شویم و سلام می‌دهیم.
من در گوشه‌ای از صحن می‌نشینم و با علاقه
و اشتیاق کتاب را ورق می‌زنم. کتابی است
درباره‌ی تاریخ زندگی امام هادی علیه السلام و
داستان‌های زندگی ایشان.



پدر بزرگوار امام هادی (ع):

(پدر گرامی اش امام جواد علیه السلام را در اوج جوانی به شهادت رساندند و امام هادی علیه السلام با اینکه سنش هنوز به نوجوانی هم نرسیده بود، امام و پیشوای مردم شد. در مسجد پیامبر به شاگردان پدرش درس می داد. خیلی از مردم، مخصوصاً آنهایی که امام را نمی شناختند با تعجب او را نگاه می کردند: **از مشهورترین شاگردان امام هادی (ع):** - «عجب نوجوان باهوش و با استعدادی!»

او شاگردان زیادی تربیت کرد که همه از عالمان بزرگ شدند. یکی از مشهورترین شاگردان ایشان، حضرت عبدالعظیم حسنی است که حرمش در شهری قرار دارد.)

(**متوکل** که می دانست مردم به امام هادی علیه السلام علاقه دارند و از اتحاد و همدلی میان ایشان می ترسید، دستور داد امام را با زور و اجبار از مدینه به سامرا بیاورند. امام هادی علیه السلام، سال های سال در سامرا در نهایت سختی زندگی کرد. متوکل همیشه امام عزیز را زیر نظر داشت و بارها دستور داد شبانه به خانه ی امام بریزند و خانه اش را با زرسی کنند. او حتی به این هم بسنده نکرد و دستور داد تا مدتی امام را در زندان نگه دارند! امام با همه ی سختی ها و رنج ها از راهنمایی و ارشاد مردم دست برداشت و از راه دیدارهای مخفیانه و نامه نگاری با مردم ارتباط داشت و آنها را از هدایت های دلسوزانه ی خویش بهره مند می ساخت) **حاکم ستمگر زمان امام هادی (ع):**

(وقتی نیازمندی به خانه ی ایشان می آمد، قبل از اینکه سخنی بگوید، امام مهربان به او کمک می کرد؛ آن قدر زیاد که بتواند مشکش را بر طرف کند. یکی از دوستانش به بیماری شدیدی مبتلا شد. پزشک برایش دارو نوشت. اما هر چه جست و جو کردند، دارویش را پیدا نکردند. امام هادی علیه السلام همین که فهمید دوستش به دارو نیاز دارد به دنبال تهیه ی آن دارو رفت؛ آن را پیدا کرد و برای دوستش فرستاد.)

(یک بار گوسفندان زیادی خرید و همراه یکی از یارانش آنها را به چّه رابردند. در بازگشت، خبری از گله نبود. مردم از دوست امام پرسیدند: پس گوسفندان چه شدند؟ - گله را به جایی بردیم که مردمش نماندند بودند. امام گوسفندان را میانه آنها تقسیم کرد)

هر چه بیشتر می خواندم، علاقه ام به این امام عزیز بیشتر می شد.
چه انسان بزرگ و بی نظیری!
در روزگاری که حاکمان ستمگر، حقّ مردم را پایمال می کردند
و در قصرهای باشکوهشان سفره های رنگارنگ می انداختند
و خزانه هایشان را از سگّه های طلا لبریز می کردند،
خانه ی ساده ی امام هادی علیه السلام تنها نقطه ی امید مردم بود.



کدام قسمت این درس را بیشتر دوست داشتی؟ چرا؟
(دانش آموز عزیز لطفا قسمت مورد علاقه ی خود را در این کادر بنویس)



بررسی کنید

با توجه به متن درس، چند نمونه از ویژگی های امام هادی علیه السلام را بنویسید.

با هوش بودن

بخشنده بودن

مهربان بودن

هدایت دلسوزانه داشتن

دوست دارید کدام یک از این ویژگی ها را شما هم داشته باشید؟

ایستگاه فکر

مجری اخبار اعلام کرد:

«قهرمان گلستانی، مدال پارا المپیک خود را به زلزله زدگان غرب کشور اهدا کرد».

به نظر شما این رفتار با کدام یک از داستان های درس ارتباط دارد؟

داستان امام هادی (ع) و بخشیدن گله گوسفندان

خاطره گویی

این سخن از امام هادی علیه السلام را بخوانید.

امام هادی علیه السلام: «به جای اینکه برای عدم موفقیت های گذشته حسرت و اندوه بخوری، با داشتن تصمیم و اراده ی قوی، آنها را جبران کن».

آیا شما خاطره ای در این باره دارید؟ آن را در کلاس برای دوستانتان تعریف کنید.

گفت‌وگو کنیم

از این نوشته، چه برداشتی دارید؟ با دوستانتان در گروه گفت‌وگو کنید.
متوکل با وجود تمام ستمگری‌هایش هرگز موفق نشد امام را از هدایت مردم چه دوران سخت و خفقانی بود! باز دارد.

متوکل، مرقد امام حسین علیه‌السلام، جدّ بزرگ امام هادی علیه‌السلام را تخریب کرد؛ عده‌ی زیادی از نسل پیامبر و دوستان ایشان را به زندان انداخت؛ به شاعران پول زیادی می‌داد تا در شعرهای خود به امامان بی‌احترامی کنند؛ بیت‌المال مسلمانان را صرف خوش‌گذرانی خود می‌کرد و دائماً امام هادی علیه‌السلام را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد. ولی امام که نوجوانی بیش نبود با توکل به خداوند از تلاش و راهنمایی مردم دست برنداشت.

کامل کنید

❁ ای امام مهربانم! شما وقتی می‌فهمیدی یکی از دوستانت مشکلی دارد یا به چیزی نیاز دارد **با مهربانی به یاریش می‌شتافتی تا مشکلتش را برطرف سازی.**

❁ با اینکه دشمنانت دوست نداشتند مردم را هدایت کنی، اما با تمام سختی‌ها از ارشاد مردم دست بر نمی‌داشتی.

❁ دوست دارم من هم مانند شما **مهربان باشم و به افراد نیازمند کمک کنم.**

❁ ای کاش در آن روزها پیش شما بودم و **در کلاس درس شما شرکت می‌کردم و راه راست زندگی را می‌آموختم.**



بگرد و پیدا کن

کدام یک از خانه های جدول زیر با یکدیگر مرتبط است؟ آنها را یک رنگ کنید.

امام حسن عسکری علیه السلام	امام هادی علیه السلام	خلیفه ی ستمگر	محلّ شهادت
یکی از شاگردان	امام دهم	نام پدر	نام فرزند
متوکل	عبدالعظیم حسنی	امام جواد علیه السلام	سامرا

مهم

پا با خانواده

تاریخ تولّد و شهادت امام هادی علیه السّلام را از روی تقویم پیدا کنید و آن را در اینجا بنویسید.

روز شهادت **رجب**

روز تولّد **پانزدهم ذی الحجه**